

افغانستان پس از سه سال سیطره طالبان!

فواد عبداللہی

سه سال پیش دولت کارتونی «اشرف غنی» در افغانستان که نتیجه بیست سال «دخالت بشردوستانه» دولت‌های غربی بود، بدون هیچ مقاومتی، دودستی به باند تبهکار طالبان تقدیم شد. مقابل چشم جهانیان، بیست سال حمله نظامی غرب به رهبری آمریکا به بهانه‌ی «جنگ با تروریسم» و تحت نام «صدور دموکراسی غربی» به افغانستان دود شد. هیئت حاکمه آمریکا (از جمهوریخواه تا دمکرات) این هزیمت خود را «انتقال مسالمت آمیز قدرت» به طالبان نام گذاشتند و مردم افغانستان را بدون سپر در برابر طالبان بحال خود رها کردند؛ همگان دیدند که استراتژی دولت آمریکا بعد از حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر، نه رودرویی با «تروریسم اسلامی» و نجات مردم افغانستان از چنگ طالبان، که تضمین قدرقدرتی نظامی آمریکا در مقابل سایر قدرت‌های نوظهور بود.

معلوم شد که اشغال نظامی افغانستان توسط دولت آمریکا تنها دو هدف داشت: هدف اول، پیشبرد اهداف جهانی دولت آمریکا در مقابل سایر رقبای خود بود و هدف دوم، مصرف داخلی داشت؛ یعنی به وجه سیاسی خود در داخل آمریکا مشروعیت داد. با ترور بن‌لادن تحت نام «رفع خطر تروریسم»، این اهداف نیز مختومه اعلام شدند. در حقیقت، مردم افغانستان در طول سی سال گذشته، بهای این منطق هیئت حاکمه آمریکا تحت عنوان «آنکه با ما نیست بر ماست» را پرداخته‌اند؛ بهای زهرچشم گرفتن دولت آمریکا از هر نیرویی که تسلیم قدرقدرتی وی نشده باشد.

با «پایان ماموریت آمریکا در جنگ با تروریسم» در افغانستان و تقدیم قدرت به طالبان، دول غرب و رسانه‌های نان به‌نرخ روزخور آن‌ها، تمام وقت در طول این سه سال، در تلاش بوده‌اند تا تصویر «متمدن» و شهری از باند سیاه طالبان بدست دهند که گویا سر بریدن و سنگسار زنان را کنار گذاشته و «مملکت داری» بلد است و برای پذیرفته شدن در کلوپ جهانی، «آداب» رارعايت می‌کنند. ... صفحه ۳

- کارگران جهان متحد شوید! -

جنگ طلبی جنون آمیز اسرائیل و حمایت بی دریغ آمریکا

خالد حاج محمدی



پس از ترور اسماعیل هنیه، رئیس دفتر سیاسی حماس، توسط دولت اسرائیل در تهران و تهدیدات ایران به انتقام گیری و تحرکات حزب الله و جریان‌های اسلامی در منطقه، دول غربی یک بار دیگر ریاکارانه به تکاپو افتادند و خواهان «خویشختن داری» طرفین و پرهیز از «تشنج» بیشتر در منطقه شدند. بایستن، با پرچم واقعی حمایت بی قید و شرط از دولت اسرائیل و پرچم دروغین «آتش بس» در غزه و آزادی گروگانهای اسرائیلی، همراه مصر و قطر خواهان از سرگیری مذاکرات «صلح» شده‌اند. روسای دول حامی اسرائیل، از جمله بریتانیا، آلمان و فرانسه، که به روال همیشگی در مقابل تروریسم دولت اسرائیل سکوت مطلق کرده بودند، امروز با پرچم «پرهیز از تشنج» و دعوت به خویشختن داری، وارد صحنه شده‌اند. خویشختن داری که البته هیچگاه شامل دولت اسرائیل و نسل کشی همه جانبه و جنون آمیز او علیه مردم فلسطین و میلیتاریسم و تروریسم دولتی دولت آمریکا نمیشود. این «صلح طلبان» ریاکار حتی برای یک بار هم به دولت فاشیست اسرائیل برای پایان دادن به کشتار دسته جمعی مردم فلسطین، برای پایان دادن به بمباران مدرسه و بیمارستان و اردوگاه آورگان، برای افسار کردن مشتی جنایتکار جنگی که جنایت علیه مردم فلسطین برایشان مایه شادی و خنده است، نه هشدار داده‌اند و نه فشاری سیاسی وارد کرده‌اند. درست بدنبال تهدید جمهوری اسلامی مبنی بر حمله تلافی جویانه به اسرائیل، دولت بایستن رسماً اعلام کرد در صورت هر حمله ای، ... صفحه ۲

جمهوری اسلامی، ناتوان از مقابله با

جنبش علیه اعدام

اطلاعیه حزب حکمتیست (خط رسمی)

روز سه شنبه، ۱۶ مرداد ۱۴۰۳ زنان زندانی سیاسی بند زنان اوین پس از اعتراض به اعدام رضا رسایی، زندانی سیاسی و از معتضان خیزش «زن، زندگی، آزادی»، مورد حمله گسترده زندانبانان و گارد حفاظت قرار گرفته‌اند. گفته میشود که در این حمله ی خشونت بار، زنان معتض مورد ضرب و شتم شدید قرار گرفته و عده ای از آنها به دلیل شدت جراحات وارده به بهداری زندان اوین منتقل شده‌اند و با توجه به قطع شدن عمدی تماس‌های تلفنی، از حال زندان مجروح زندانی در این بند اطلاعات کاملی در دست نیست.

صدور احکام اعدام زندانبانان سیاسی در ایران، احکام اعدام علیه زنان به جرایم سیاسی و اعدام رضا رسایی در ادامه موج اعدامهای وسیع در ماههای اخیر، نه تنها قادر نشده است به سکوت و ترس و تسلیم در جامعه و بخصوص در زندان‌ها و اسارتگاه‌های زنان، دامن بزند که گسترش جنبش علیه مجازات اعدام را بدنبال داشته است.

جمهوری اسلامی ایران که در میان قدرت‌های ارتجاعی جهان، بعنوان «حریف» فاشیسم یهودی در اسرائیل که ده ماه است وقیحانه در حق مردم محروم فلسطین هر روز و هرلحظه مرتکب جنایات هولناکی میشود، برای خود «مقام» و جایگاهی ساخته است! ... صفحه ۲

آزادی برابری حکومت کارگری

آزادخواهان، میوه فضای جنگی کنونی برای ایران است. سیاستی که تا امروز با مقابله طبقه کارگر، زنان، زندانیان سیاسی، جنبش ضد اعدام در زندانها روبرو شده و شکست خورده است.

خاصیت دیگر این اوضاع برای جمهوری اسلامی به شرطی که به جنگ مستقیم و تمام عیار با ایران کشیده نشود، خریدن نفرت عمومی از جنایات و توحش اسرائیل علیه مردم فلسطین، در منطقه و خصوصاً جهان عرب با پوشیدن ریاکارانه لباس «دفاع» از مردم فلسطین است. جمهوری اسلامی از این اوضاع برای تحکیم موقعیت منطقه ای خود بیشترین استفاده را میبرد. دامنه توحش اسرائیل، حمایت همه جنابه دولتهای غربی و شراکت مستقیم و غیر مستقیم آنها در این نسل کشی، معامله گری دولتهای عربی و مماشات آنها با اسرائیل و غرب، فرجه ای برای کل جریانات مرتجع اسلامی و مخالف اسرائیل و آمریکا و در راس همه جمهوری اسلامی فراهم کرده است که موقعیت خود را با پرچم «ضدیت» با نسل کشی اسرائیل، در منطقه تحکیم کند.

جهان اما صرفاً میدان تاخت و تاز دول ارتجاعی و فاشیست و دیپلماسی ریاکارانه آنان نیست. اوضاع جهان را فقط قدرتهای ارتجاعی جهانی و منطقه ای رقم نمیزنند. ده ماه گذشته بشریت متمدن و انساندوست در سرتاسر جهان قدرت خود را به کل ارتجاع جهانی نشان داد. جنبشی جهانی در دفاع از مردم فلسطین، مستقل از همه نیروها و دولتهای ارتجاعی مدعی مدافع فلسطین، و علیرغم تمام سرکوبهای خشن عرض اندام کرد.

واقعیت این است که تنها حامی جدی مردم فلسطین، همین نیروی وسیع مردم انسان دوستی است که در سراسر جهان علیه نسل کشی و توحش اسرائیل و علیه دولتهای غربی و حامی او در میدان اند. به هر میزان سطح این اعتراضات و دامنه فشار این جنبش وسیع تر و همه جنبه تر شود، به هر میزان طبقه کارگر در سطح جهان علیه جنایات اسرائیل و حامیان غربی او دست به عمل مستقیم از تجمع و اعتصاب تا فشار به دولتهای خودی جهت قطع هر نوع حمایتی از اسرائیل، بزند، راه سوءاستفاده دول مرتجع منطقه از جمله ایران از معضل مردم فلسطین، بسته خواهد شد.

این جنبش اکنون در میدان است و این تنها امید مردم فلسطین و تنها پرچمدار واقعی، پایان کشتار و جنایت اسرائیل و تامین صلح و امنیت در منطقه و جهان است. تقویت این جنبش و تبدیل طبقه کارگر در خاورمیانه و جهان به ستون فقرات آن، تضمین افسار کردن فاشیسم حاکم در اسرائیل و عقب راندن ارتجاع و میلیتاریسم غرب و کاهش خطر جنگ در منطقه و بعلاوه کوتاه کردن دست ارتجاع منطقه است.

کارگران کمونیست!

**حزب ما، سنگر اتحاد و
تشکل حزب شما است.**

حزب را از آن خود کنید!

از اسرائیل حمایت میکنند و همزمان متعهد به پرداخت بودجه ای ۳ و نیم میلیارد دلاری برای خرید اسلحه و تقویت بنیه نظامی به اسرائیل شد. خطر حمله ایران توجیهی شده تا دولت بایدن با همه امکانات جنگی مدرن برای حمایت از اسرائیل ناوگانها و کشتی ها و زیر دریایی های جنگی بیشتری را به منطقه سرازیر کند و دول فخیمه غربی نیز در جوار و همراه آمریکا، با به رخ کشیدن قدرت نظامی ماشین جنگی خود و با تهدیدات میلیتاریستی، با پرچم دروغین دفاع از «حفظ امنیت جهان» به میدان آمدند. این نمایش شنیع دفاع از امنیت جهانی همانقدر تهوع آور و مضمض کننده است که پرچم دروغین «دفاع از مردم فلسطین» جمهوری اسلامی و متحدینش!

افسار گسیختگی مطلق دولت اسرائیل بدون حمایت بی قید و شرط دول غربی به رهبری آمریکا و قدرت میلیتاریستی آن ممکن نبود. از کار نیفتادن ماشین کشتار دستجمعی دولت اسرائیل طی ده ماه گذشته، حملات دائم به مدارس و بیمارستان و کشتار مردم بیگناه و آخرین نمونه آن حمله به مدرسه «تابعین»، پناهگاه آوارگان فلسطینی زیر نظارت سازمان ملل، و کشتار بیش از صد نفر، دستور تخلیه مناطقی از خان یونس توسط «قصاب غزه» و آوارگی دوباره دهها هزار آواره، در کنار مخالفت مجلس و دولت فاشیست و نژاد پرست اسرائیل با تشکیل دولت مستقل فلسطین، اعلام اینکه «کرانه باختری بخشی از سرزمین ماست. ما قصد داریم که در آن بمانیم. مخالف ایجاد دولت مستقل فلسطینی هستیم. اسرائیل باید بر این منطقه تسلط امنیتی و نظامی داشته باشد» توسط نتانیاهو و سکوت مطلق و شرم آور دول غربی، بیش از هر چیزی ریاکاری مدافع امنیت مردم در منطقه، ریاکاری دفاع از تشکیل دولت مستقل فلسطین و پایان دادن به مصائب تاریخی مردم بیگناه فلسطین را در مقابل جهانیان به نمایش میگذارد.

گستاخی و جنگ طلبی دولت اسرائیل، تلاش آن برای کشیدن پای جمهوری اسلامی و آمریکا به جنگی مستقیم و رودرو، راه فرار و نجاتش از شکست نه تنها در غزه که در جهان و در مقابل صدها میلیون انسانی است که به توحش و بربریت و آدمکشی بی مرز و جنون آمیز فاشیستهای حاکم در اسرائیل نه گفته اند. دولت اسرائیل که در غزه عملاً شکست خورده است و حتی وزیر دفاع آن به این شکست اذعان کرده است، حکومتی که در جهان مورد نفرت بشریت متمدن و انساندوست و آزادیخواه است، دولتی که در خاورمیانه منزوی شده است و در خود اسرائیل نیز با اعتراض هر روزه و بحران سیاسی عمیقی روبرو است، به آتش کشیدن منطقه را بعنوان تنها راه نجات خود انتخاب کرده است. مستقل از عکس العمل دولتها و قدرتهای ارتجاعی منطقه، از جمهوری اسلامی و حزب الله تا اردن، قطر و مصر و ... امروز از منظر میلیونها انسان در سرتاسر جهان اسرائیل عامل اصلی تشنج، ناامنی، جنگ و جنایت در منطقه است.

هیچ دولتی جز اسرائیل در این منطقه خواهان گسترش جنگ نیست. چنین جنگی میتواند کل منطقه را وارد جهنمی کند که کنترل آن دیگر از کسی ساخته نیست. اما جمهوری اسلامی تلاش میکند از فضای جنگی کنونی و تبلیغات جنگی برای تعرض به جامعه و مبارزات همه جانبه مردم محروم، برای مختنق کردن فضای جامعه و عقب راندن طبقه کارگر، زنان، نسل جوان واقشار محروم بیشترین سود را ببرد. به این اعتبار هر شلیکی از جانب اسرائیل به ایران، هر تروری از عناصر جمهوری اسلامی توسط اسرائیل، به ابزاری در دست جمهوری اسلامی برای خفه کردن مردم تبدیل خواهد شد. فضای یادگانی این مدت و پس از ترور هنیه در ایران، افزایش بی سابقه احکام اعدام، صادر کردن احکام اعدام به جرایم سیاسی، ادامه پرونده سازی و دستگیری فعالین کارگری، زنان، معتزین و

سه سال تبلیغات مسموم و مضمون‌کننده رسانه‌های دست‌راستی برای قالب کردن طالبان تحت عنوان «انتخاب» مردم افغانستان، جز سیاست بستن راه فرار مردم از چنگ این وحوش و پسر فرستادن همه فراریان از افغانستان در طول سی سال گذشته به آغوش طالبان، کارکرد دیگری نداشته است. تظهير یک نیروی وحشی، که گویا اصول مدنیت را پیشه کرده و افغانستان را «کشور» کرده است، چه پیامی جز حمله سیستماتیک دولت‌ها به پناهجویان افغانستانی و فراریان از جهنم طالبان و استرداد آن‌ها دارد؟! پربیراه نیست که حکومت ایران در پس این میدیای عظیم تولید دروغ، گوی سبقت را در سرکوب و پسر فرستادن شهروندان افغانستانی از دست همه دولت‌های جهان ربوده است.

اما جنگ مردم افغانستان، بویژه زنان، با سیطری دوباره طالبان و تظهير آن از جانب دولت‌های غربی، در طول این سه سال یک لحظه هم خاموش نشده است. مردم افغانستان به هیچ گوشه‌ای از ماهیت عصر حجری باند مخوف طالبان، «آری» نگفته‌اند! باید برای کوتاه کردن دست این باند جانی از زندگی مردم در کنار مردم افغانستان ایستاد. از هر روزنه‌ای چه در داخل افغانستان و چه در قلب اعتراضات و مناسبت‌های جهانی در جوامع غربی، صدای «مرگ بر طالبان» و «زنان افغانستان را آزاد کنید» به گوش رسیده است. همبستگی بشریت متمدن با مردم افغانستان و مردم خاورمیانه، نفرت عظیم بشریت از نظم و نظامی که دول غربی و در راس آن‌ها دولت آمریکا بعد از پایان جنگ سرد به ارمغان آورده‌اند، و جز جنگ، فقر، ناامنی و آوارگی حاصلی بجا نگذاشته‌اند، وصف ناپذیر است. وجه اشتراک مردم ایران با مردم افغانستان در همین نکته است که هر دو برای آزادی و برابری علیه دو نظم ضدانسانی، چه در کابل چه تهران، به میدان آمده‌اند. پیروزی هر گردانی از این صف بلاواسطه به پیروزی دیگری علیه ارتجاع منجر خواهد شد. مردم افغانستان، بویژه زنان، روی انقلاب آتی ایران علیه جمهوری اسلامی از هم اکنون حساب کنند.

جمهوری اسلامی ناتوان...

تلاش میکند با سواستفاده از اقیانوس خونی که توسط اسرائیل از مردم فلسطین بر زمین ریخته می‌شود، با پرچم دروغین و ریاکارانه «دفاع» از مردم فلسطین و «مقابله» با جنایات اسرائیل، تعرض همه جانبه ای به زنان، به کارگران و اقشار محروم در ایران دامن بزند. تلاش میکند از فضای جنگی و میلیتاریستی منطقه و در دل کشتار مردم فلسطین، فضای جامعه ایران را علیه جنبش آزادیخواهان تنگ و اوضاع داخلی را به پیش از خیزش انقلابی زنان و آزادیخواهان در دو سال قبل برگرداند! جمهوری اسلامی ایران که با تکیه بر موقعیت مخرب و انگلی خود، که از باطلاق خاورمیانه ارتزاق میکند و فربه میشود، تلاش میکند فشار جامعه ای که می‌خواهدش را بر خود کم کند!

ارتجاع حاکم بر ایران با سلاح اعدام به میدان آمده است! باز تلاش میکنند که با استفاده از «ترس از جنگ» در مقابل جنبش زنان و جنبش طبقه کارگر، نفسی تازه کند و «اوضاع داخلی» را کنترل کند! تلاش میکند به این طریق خود را از زیر تیغ تعرض و فشار جنبش انقلابی زنان، که علاوه بر جامعه، در زندان‌ها و اسارتگاه‌ها هم دست از سرش بر نمی‌دارد و تسلیم نمی‌شود، خلاص کند! تلاش میکنند خود را از زیر فشار اعتراضات گسترده طبقه کارگری که نه تنها بیش از این به فقر و بی‌حقوقی رضایت نمی‌دهد، که یک دنیای بهتر میخواهد، خلاص کند!

اما جمهوری اسلامی باید این آرزوها را به گور بسپارد. مردم آزادیخواه ایران فرجه و امکان گسترش فقر و محرومیت، زن ستیزی و اعدام و گسترش فضای پادگانی را به جمهوری اسلامی نمیدهد. نه جنبش زنان به سکوت رضایت داده است و نه جنبش کارگری خاموش شده است و می‌شود! اعتراضات بند زنان زندانی و اعتصابات

پرچم رهایی زن، پرچم آینده ای فارغ از تبعیض و نابرابری، پرچم «ما به قدرت خود می‌توانیم»، در دست جنبش برابری طلبی زنان در ایران است.

جنبشی که رهایی و آزادی زن در ایران را به سکویی برای رهایی زن در سراسر جهان تبدیل خواهد کرد.

این جنبش مردمی است که برای اولین بار در تاریخ جهان، بنام حق زن، بنام آزادی و برابری، پایه‌های یک حکومت ضدزن، ضدبشری و استثمارگر را نه تنها به لرزه درآورده است، که آن را به لبه پرتگاه سقوط کشانده است.

و اعتراضات کارگری در بسیاری از مراکز صنعتی، تجمع و اعتراض هر روزه بازنشسته و پرستار و معلم و اعتراضات نسل جوان در مراکز تحصیلی، گواه ناتوانی رژیم در «کنترل اوضاع داخلی» است. صدور احکام اعدام و بالا نگاه داشتن شمشیر آن برفراز سر زندانیان، فعالین حقوق زنان، فعالین کارگری و معترضین، قادر نشده است که جنبش حق زن، حق کارگر، حق زندگی شایسته انسان امروزی را، عقب بنشانند.

قدرت ارباب ماشین آدم کشی جمهوری اسلامی در مقابل اعتراض زنان زندانی به احکام اعدام، فلج است! ضرب و شتم معترضین در زندان، که نه تنها برای حق زن، که علیه اعدام و برای حق زندگی در مقابل هیولایی که به جانشان افتاده است در جنگ هستند، نه نشانه قدرت که نشانه عجز و ناتوانی در مقابل تنها گوشه کوچکی از قدرت مردمی است که خود را در زندانها نشان داده است. این جنبش قادر است افسار حکومت اعدام را بکشد! نباید به حکومت اعدام فرصت گرفتن جان زندانی سیاسی دیگری را داد!

ماشین اعدام را میتوان با گسترش اعتراضات در خارج از زندانها، با به بکارگیری قدرت طبقه کارگری که در میدان است، تماما فلج کرد! میتوان خطر کشتار و جنایت بیشتر از انگل جمهوری اسلامی را برای همیشه از سر جامعه کم کرد! باید قدرت مردم آزادیخواه و متمدن، از کارخانه‌ها تا محل‌های کار و زندگی، به حرکت درآید، باید افسار جمهوری اسلامی در تعرض به حق زندگی را کشید!

مرگ بر حکومت اعدام و شکنجه و زندان

زنده باد سوسیالیسم

حزب حکمتیست (خط رسمی)

۲۲ مرداد ۱۴۰۳ - ۱۲ اوت ۲۰۲۴

پخش برنامه‌های نینا از کانال یک

برنامه‌های نینا هر سه شنبه راس ساعت ۵:۳۰ بعد از ظهر به وقت تهران در شبکه تلویزیونی کانال یک پخش می‌شود.

مشخصات ماهواره:

Yahsat w1A
12073 عمودی 27500

Eutelsat W3A
10721 افقی 22000

hekmatist.com

تماس با حزب

 @Hekmatistx

دبیرخانه حزب

dabirxane@hekmatist.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

دبیر کمیته رهبری: خالد حاج محمدی

khaled.hajmohamadi@gmail.com

تشکیلات خارج کشور حزب: آسو فتوحی

aso.fotuhi@gmail.com

دفتر کردستان حزب: محمد راستی

sahand.sabet@gmail.com

مسئول تبلیغات: فواد عبداللهی

fuaduk@gmail.com

حکمتیست هفتگی

سر دبیر: فواد عبداللهی

برابری

برابری، یعنی نه فقط برابری حقوقی و قانونی، نه فقط برابری شهروندان جامعه از هر قوم و نژاد و جنسیت، بلکه برابری در امکانات مادی در دسترسی به ابزاری های ارتقا و شکفتن استعداد های فردی و اجتماعی، برابری در تولید و در زیست، برابری در اعمال اراده در سرنوشت اقتصادی، سیاسی و اداری جامعه خود، برابری در بهره مندی از محصولات مادی و معنوی کار و تلاش اجتماعی و برابری در مبارزه برای فائق آمدن بر هر عقب ماندگی و کمبود، برابری که تنها با در هم کوبیدن مالکیت خصوصی بورژوازی بر وسایل تولید و مبادله، از میان بردن بردگی مزدی و قرار دادن وسایل تولید و ثروت جامعه در مالکیت جمعی و اشتراکی کلیه انسان های سهم در فعالیت اجتماعی حاصل میشود.



نینا

